



بسم الله الرحمن الرحيم

سوالات

امتحان طرح مطالعاتی تابستان ۹۶

مصادر فقه (نوبت سوم)

محدوده امتحان نوبت اول:

ص ۱۵۵ تا آخر

نام:

نام خانوادگی:

کد:

پایه: ۷

تاریخ: ۹۶/۶/۱۶

نتیجه:

آمین نامه

زمان آزمون در سه نوبت در تاریخهای زیر برگزار می گردد

نوبت اول: ۳۰ تیر ۹۶

نوبت دوم: ۱۴ مرداد ۹۶

نوبت سوم: بعد از دوره پیشینه

- از هنگام بارگذاری سوالات دو روز فرصت دارید تا سوالات را در دریافت کنید و موظفند قانوناً در مدت یک

ساعت به سوالات جواب دهید. و بین زمان جواب به سوالات وقفه ای ایجاد نشود

- سوالات در ساعت ۹ صبح روز پنجشنبه ۱۸ شهریور از دسترسی خارج می شود و به پاسخنامه های ارسالی از بعد

از آن زمان ترتیب اثر داده نخواهد شد

- عدم ارسال پاسخ نامه ها در موعد مقرر به منزله نمره صفر در امتحان است

- جواب سوالات را می توانید از طریق شماره تلگرام ۰۹۰۳۵۹۳۵۸۵۹ ارسال نمایید.

شهریه تیرماه پس از تصحیح اوراق و بر اساس نمره و ساعت فعالیت قابل پرداخت خواهد بود.

**نمره قبولی در امتحان ۱۵ می باشد**

**ساعت فعالیت های موارد زیر را از تاریخ ۳۱ تیرماه لغایت ۱۴ مرداد ۹۶ به همراه پاسخنامه ارسال نمایید.**

**زمان ساعات آموزشی:**

**زمان ساعات امتحانات:**

**زمان ساعات پژوهشی:**

**زمان ساعات مطالعه بوستان کتاب تابستان:**

**زمان ساعات مطالعات تبلیغی:**

۱- آیا استدلال به کریمه «خذ العفو وأمر بالعرف وأعرض عن الجاهلین» بر کارکرد استقلالی و سندی عرف در فقه صحیح است؟

- أ- بله، چرا که واژه عرف به تمامی هنجارهایی که پایگاه مردمی داشته باشد اطلاق می‌گردد.
- ب- بله، زیرا این آیه مکی است و قبل از آن نیز احکام شرعی خاصی بیان نشده تا عرف به آنها برگردد.
- ج- خیر، زیرا عرف در این آیه به معنی ارزش‌ها و هنجارهای شرعی است و این آیه از ادله امر به معروف است.
- د- خیر، چراکه عرف به معنای هنجارهای مردم به کار نمی‌رود.

۲- تنقیح مناط در اصطلاح فقه به چه معناست؟

- أ- قطع به مناط بیان شده در نص شرعی و یافتن آن در موضوعی دیگر سپس الغای خصوصیت از موضوع دلیل و تسری حکم به موضوع دیگر دارای مناط.
- ب- فهمنده نص شرعی نسبت به مناط بیان شده در نص قطع پیدا نمی‌کند اما از ظهور کلام در می‌یابد که برخی از قیود خصوصیتی در ثبوت حکم ندارند لذا از آن قیود الغای خصوصیت می‌کند.
- ج- زمانی که فقیه مناطی را از طریق عقل به دست آورد چون احکام عقلی تخصیص پذیر نیستند، لذا آن مناط را هر جا یافت حکم را بار می‌کند.
- د- گزینه أ و ب

۳- در کدام گزینه کاربرد ابزاری عرف در تمام موارد آن گزینه وجود ندارد؟

- أ- فهم مفردات، فهم مجموعی چند دلیل، در قراردادها و معاملات
- ب- فهم مفردات، فهم مجموعی چند دلیل، تطبیق مفاهیم عرفی بر مصادیق
- ج- فهم مفردات، فهم مجموعی چند دلیل، در موضوع سازی و موضوع زدایی احکام
- د- فهم مفردات، فهم مجموعی چند دلیل، مرجعیت برای قانون گذاری

۴- تفاوت میان موضوع و متعلق دو قضیه شرعی «آب طاهر است» و «وفای به عقد لازم است» چیست؟

أ- در قضیه طهارت آب موضوع و متعلق یکی است چون دو جزئی است به خلاف لزوم وفای به عقد که عقد، موضوع و فعل وفا کردن متعلق حکم است.

ب- در قضیه طهارت آب فقط متعلق داریم به خلاف لزوم وفای به عقد که فقط موضوع داریم.

ج- در قضیه طهارت آب متعلق واقعی ذکر نشده به خلاف لزوم وفای به عقد که وفای به عقد متعلق واقعی حکم است.

د- هر دو قضیه به یک وزان هستند زیرا اساساً "موضوع و متعلق کاربرد یکسانی دارند، لذا «آب» و «وفای به عقد» هر دو یک عنصر بیشتر ندارند.

۵- موضوعات عرفی مستنبطه به چه معناست؟

أ- موضوعاتی که در معنای لغوی خود استعمال نشده اند و شارع روح جدیدی در آنها دمیده است.

ب- موضوعاتی که در همان معنای عرفی و بسیط خود در ادله استعمال شده اند.

ج- موضوعاتی که به شناخت عقلانی نیاز دارند.

د- موضوعاتی که هر چند عرفی هستند ولی برای تعیین حدود و قیود مفهومی در دلیل، نیاز به کار تخصصی و فقیهانه دارند.

۶- بنا بر نظر تحقیق، نقش فقیه و مجتهد در فهم موضوعات احکام چیست؟

أ- شأن فقیه و مجتهد فقط استنباط احکام است و تشخیص موضوع امری عرفی است.

ب- موضوعات احکام همان مصادیق احکام شرعی می باشد که فهم آن ها به عرف واگذار شده و دخالت فقهاء دخالتی فقیهانه نیست بلکه به عنوان اینکه جزئی از عرف می باشند دخالت می کنند.

ج- در موضوعات مخترع، مستنبطه و برخی مصادیق کلی موضوعات فقط فقیه است که می تواند تشخیص داشته باشد.

د- هیچ موضوع و مصداقی از احکام نیست که دخالت در تشخیص آن، شأن فقیه نباشد.

۷- ملاک استحقاق فرد برای قانون گذاری از نظر عقلی چیست؟

۱- آگاهی به تمامی مصالح و مفاسد انسانها

۲- عقل صائب

۳- ولایت داشتن

۴- اراده مردم

۸- در بحث سندیت عرف برای احکام شرعی کدام عرف جزو محل نزاع نیست؟

۱- عرفی که شارع آنرا در بست امضا کرده است.

۲- عرفی که شارع آنرا به کلی رد کرده است.

۳- عرفی که شارع آنرا اصلاح و تعدیل کرده است.

۴- عرفی که اصلا در زمان شارع وجود نداشته است.

۹- کدام گزینه کاربرد ابزاری عرف است؟

۱- فهم مفردات

۲- فهم جمله ها

۳- فهم ساختارها

۴- همه موارد

۱۰- در نصوص شرعی وارد شده که طلا و نقره موزون هستند نه مکیل، آیا این امر با تغییر عرف ها در مکان ها و زمان های گوناگون ثابت است؟

۱- بله، چراکه عرف زمانی حجت است که نصی از شارع وجود نداشته باشد.

۲- خیر، چون مکیل و موزون بودن امری است عرفی که باید در مورد آن به عرف عام رجوع کرد.

۳- بله، چون نصوص شارع اعمال تعبد در امور متغیر عرفی است.

۴- برای فهم تعبدی بودن یا نبودن نصوص، باید قرائن متنی و غیر متنی ادله بررسی شود.

۱۱- طبق نظر نگارنده آیا تعریف شارع از واژه «وجه» در باب وضو در بحث پوشش و حجاب اسلامی یا لباس نمازگزار نیز حجت است؟

۱- بله، چراکه تعریف شارع از مفردات در همه احکام مرتبط یکسان است.

۲- خیر، چون تعریف هر باب منحصر به همان باب است و در بقیه ابواب به عرف عام رجوع می شود.

۳- بله، چون مناط حکم در همه یکی است.

۴- خیر، چون مرجع در همه، عرف عام است.

۱۲- آیا تفاهم عرف در یافتن ماهیات حقوقی ناتوان است؟

- ۱- بله ، چون احاله به عرف موجب عوام زدگی در مباحث علمی است.
  - ۲- بله، زیرا روش یافتن معنای مفردات عناصر شماری است.
  - ۳- خیر، زیرا عرف مردم کوچه و بازار ملاک فهم مفردات است.
  - ۴- خیر، زیرا تفاهم عرف با تحلیل عناصر دخیل در معنا و عملیاتی روشمند در یافتن فهم عرف حاصل می شود.
- ۱۳- جمع عرفی در تعارض دو دلیل ، مربوط به کدام کارکرد عرف می باشد؟
- ۱- کارکرد ابزاری در تعارض بدوی ادله
  - ۲- کارکرد ابزاری در تعارض مستقر ادله
  - ۳- کارکرد استقلالی عرف در حجیت دادن به یک دلیل
  - ۴- منظور از عرف در جمع عرفی، فقیه است نه عرف مردم.
- ۱۴- نتیجه کلی کتاب «مصادر فقه» چیست؟
- ا- عقل و عرف دو مصدر و منبع استقلالی فقه اند.
- ب- عقل و عرف در فقه هم کارکرد استقلالی دارند هم ابزاری.
- ج- عقل هم کارکرد استقلالی در فقه دارد هم ابزاری اما عرف فقط کارکرد ابزاری دارد.
- د- عقل فقط کاربرد استقلالی و سندی دارد و عرف فقط کاربرد ابزاری دارد.
- سؤالات تشریحی:

- ۱- موضوعات احکام به چند دسته تقسیم می شوند؟ برای هر کدام مثال بزنید. (تمامی اقسام ذکر شود).
- ۲- تفاوت میان تنقیح مناط، الغای خصوصیت و اولویت عرفی چیست؟ توضیح دهید.
- ۳- دو کارکرد تقیید و عدم انعقاد اطلاق چه تفاوتی باهم دارند؟ این دو کارکرد عرف، استقلالی اند یا ابزاری؟

موفق باشید.